

ایرانیان و اندیشه تجدّد

● شبنم سرآمد

دانشجو کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه تهران



یکی از دوره‌هایی که تمدن غرب به آن وارد شده عصر مدرنیته (تجدّد) است. مدرنیته (تجدّد) به جهان‌بینی و نگرشی گفته می‌شود که از ۱۴۵۰م در غرب و به طور اخص اروپای غربی، آغاز شد و تا نیمه دوم قرن بیستم ادامه یافت. دوره‌ی مدرنیته (تجدّد) دارای دو چهره بوده است. یکی استعمار و بهره‌کشی و دودگر اصالت بشر و تجدّدخواهی^۱. این عصر با انقلاب صنعتی در اروپا آغاز شده بود و بدین ترتیب، در عصر مدرنیته، می‌توان شاهد صحنه‌ای از یک فرایند نابرابر توفیق و برتری دول اروپای غربی و سپس آمریکا نسبت به شرق بود. اندیشه ترقی، منادی نقد نظام حکومتی، دینی و اجتماعی موجود بود و از اصلاح و پیشرفت رو به جلو صحبت می‌کرد. در همین زمان، جهان اسلام، عصر رنسانس اسلامی را پشت سر گذاشته و دچار یک رکود در زمینه‌های علمی و اجتماعی شده بود. علاوه بر این‌که، ارتباط چندانی هم با جهان غرب، به عنوان کفار، برقرار نمی‌کرد. به عنوان مثال، ایران عصر صفوی، که پایتختش، یعنی اصفهان، مرکز رفت و آمد سیاحان و دارای یکپارچگی و وحدت ملی شده بود، به قدرت خود می‌بالید و نیز بر اساس هستی‌شناسی دوگانه‌انگار دارالاسلام و دارالکفر، اروپاییان را کافرانی قلمداد می‌کرد که شایسته‌ی الگو بودن در هیچ زمینه‌ای حتی علم را نداشتند.^۲

به هر حال در اوایل دوره‌ی قاجار، پس از شکست‌های ایران از روسیه و انگلیس، اوضاع دگرگون شد. در این زمان، دیگر ایرانی به قدرت خود نمی‌نازید و احساس برتری نمی‌کرد. بر اثر برخورد با مدنیت غرب، تفکر درباره‌ی علل برتری ملل غرب و علل و عوامل انحطاط ایران، معدودی از اندیشمندان آن روزگار را به خویش مشغول کرد. بدین ترتیب، شالوده‌ی تحولات فکری، فرهنگی و سیاسی در ایران از آغازین سال‌های قرن نوزدهم ریخته شد. جنبش اندیشه تجدّدخواهی مراحل‌ی را پشته سر گذاشت و در نهایت به جنبش مشروطه‌خواهی رسید.^۳ با پیروزی این جنبش، حکومت استبدادی به نظام مشروطه تغییر یافت. اگرچه برای مدتی استبداد تسلط یافت، ولی دیری نپایید که مشروطه دوم آغاز شد. مشروطه‌ای

- اندیشه تجدّد و ترقی در عصر بحران (۱۲۸۸-۱۲۹۹ش)
- نصراله صالحی
- تهران، طهوری، ۱۳۸۷، تعداد صفحات: ۳۴۸

شالوده‌ی تحولات فکری، فرهنگی و سیاسی در ایران از آغازین سال‌های قرن نوزدهم ریخته شد. جنبش اندیشه تجددخواهی مراحل را پشت‌سر گذاشت و در نهایت به جنبش مشروطه‌خواهی رسید

- دوستی با فرانسه و اندیشه‌ی نوسازی (۱۲۵۰-۱۲۶۴ق)،
مجله‌ی سیاست خارجی، سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۵.
- زمینه‌های شکل‌گیری حزب دموکرات در مجلس دوم، نامه‌ی
تاریخ پژوهان، سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۷۵.

- ترقی ژاپن و موانع ترقی ایران و مسلمانان (از دید اندیشه‌گر
ایرانی مقیم هند)، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال پنجم، شماره
۵۶-۵۷، خرداد - تیر ۱۳۸۱.

- بهار و آمال مالی، مندرج در: گفتارهایی درباره‌ی انقلاب
مشروطیت و هویت ملی، به کوشش حسین گودرزی، انتشارات
تمدن اسلامی، تهران، ۱۳۸۵.

درباره‌ی کتاب:

کتاب «اندیشه‌ی تجدد و ترقی در عصر بحران» از یک مقدمه،
بخش مقدماتی، چهار بخش و یک نتیجه تشکیل شده است. هر
بخش نیز به چند فصل تقسیم شده است. عناوین بخش‌ها و فصل‌ها
عبارتند از:

بخش مقدماتی: ایضاح مفاهیم و زمینه تاریخی بحث؛ شامل:
چیستی اندیشه تجدد و ترقی از دید دو تجدد خواه عصر قاجار و
مشروطه؛ تاریخ تجدد خواهی از آغاز تا مشروطه؛ اندیشه تجدد
خواهی از مشروطه تا فتح تهران.

بخش اول: فتح تهران و تشکیل مجلس دوم؛ کشمکش‌های
فکری بر سر تجدد و ترقی (۱۳۲۷-۱۳۳۰)؛ شامل: سه جریان
عمده درگیر با مسأله‌ی تجدد و ترقی؛ جریان تندرو (انقلابی)؛ جریان
میان‌رو (اعتدالی)؛ جریان اسلامی (اسلام‌گرا).

بخش دوم: دوران ناصرالملک و فترت سه ساله (۱۳۳۰-
۱۳۳۳)؛ شامل دو فصل: اوضاع عمومی ایران؛ بازخوانی اندیشه‌ی
تجدد و ترقی از خلال سه نشریه‌ی ترقی‌خواه. بخش‌های فصل
دوم عبارتند از: آفتاب: از تجدد تدریجی تا ترقی‌خواهی اقتدارگرا و
تحول‌خواه؛ الاسلام: احیای دینی و تمدن اسلامی؛ نوبهار: تجدد
بر مبنای تحول‌خواهی و اصلاح فکر دینی.

بخش سوم: از گشایش مجلس سوم تا انحلال آن (۱۳۳۳-)

که حاصل یک قیام ملی و مردمی بود. دکتر نصراله صالحی، در این
کتاب، به بررسی مقوله‌ی اندیشه‌ی تجدد و ترقی در عصر بحران (یا
به تعبیر وی، مشروطه‌ی دوم) پرداخته است.

درباره‌ی مؤلف

دکتر نصراله صالحی متولد ۱۳۴۳ هـ ش و دانش‌آموخته‌ی
رشته‌ی تاریخ است. وی درجه دکتری خود را از دانشگاه تهران
اخذ کرد و پایان نامه‌ی دکتری خود را با عنوان: «اندیشه‌ی تجدد و
ترقی در دوره‌ی مشروطه دوم» تألیف کرد. از جمله آثار او می‌توان
به موارد زیر اشاره کرد:



صنیع الدوله

جنبش اندیشه‌ی تجددخواهی در ایران عصر قاجار، دارای دو دوره‌ی متمایز بوده است یکی دوران پیش از مشروطه و دودیکر دوره‌ی مشروطه

اندیشه‌ی تجدد

اندیشه‌های تجددخواهانه (شامل بخش‌های: بهار و «تجدد سریع»؛ بهار و «تمدن آنگلوساکسون»؛ تقی‌زاده و «اصلاحات تدریجی»؛ خیابانی و «اصلاحات اساسی»).

نویسنده بعد از نتیجه‌گیری، به بررسی و سنجش منابع و مأخذ پرداخته است. فهرست و چهار نمایه نیز در پی آن آمده است. عناوین نمایه‌ها عبارتند از: مفاهیم و اصطلاحات؛ روزنامه‌ها، رساله‌ها و انجمن‌ها؛ اشخاص و جای‌ها.

نصراله صالحی در مقدمه، ابتدا به سراغ این مقوله می‌رود که جنبش اندیشه‌ی تجددخواهی در ایران عصر قاجار، دارای دو دوره‌ی متمایز بوده است یکی دوران پیش از مشروطه و دودیکر دوره‌ی مشروطه. وی دوره‌ی مشروطه را نیز به دو قسمت تقسیم کرده است. قبل از به توپ بستن مجلس و بعد از فتح تهران. در این میان دکتر صالحی بیان می‌دارد که هدف او بررسی دوره‌ی بعد از فتح تهران تا کودتای ۱۲۹۹ش است (صص ۵-۶). از این رو در بخش مقدماتی، همانطور که از عنوان آن پیداست، وی به زمینه‌سازی بحث اصلی خود می‌پردازد. از لحاظ وی تجدد یا مدرنیته‌ی غربی دارای دو لایه است: لایه‌ی زیرین و لایه‌ی ی روئین. لایه‌ی زیرین توسط اندیشمندانی چون دکارت و فرانسویس بیکن شکل گرفت و سپس لایه‌ی روئین آن از دل این نهضت فلسفی و فکری به وجود آمد. لایه‌ی روئین شامل ملی‌گرایی، تولید ثروت، رفاه اجتماعی، انقلاب کشاورزی و در پی آن انقلاب صنعتی و آزاداندیشی است. صالحی در ادامه بیان می‌دارد که در اوایل قاجار، به‌ویژه از زمان وقوع جنگ‌های ایران و روس، اندیشه‌ی تجدد کم‌کم به جامعه‌ی ما راه یافت. این اندیشه از آغاز قاجار تا مشروطیت در عین تداوم دچار تحولات بسیاری نیز شد. از دوره‌ی عباس میرزا تا سپهسالار به لایه‌ی روئین تمدن غربی توجه بسیاری مبذول شد. هم‌چنین در این دوره، اصلاحات از بالا و از سوی حکومت اعمال می‌شد و خواست عمومی و مردمی نبود. البته با وجود آثار مثبت، این اصلاحات در انتها به شکست انجامید. در نتیجه، روشنفکرانی چون میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله از رویکرد ابزاری و مادی به غرب به اخذ جلوه‌های

(۱۳۳۴)؛ شامل دو فصل: اوضاع عمومی ایران و بازخوانی اندیشه‌ی تجدد و ترقی در دوره‌ی یک ساله

بخش چهارم: از انحلال مجلس سوم تا کودتا: سال‌های سرنوشت (۱۳۳۳-۱۳۳۹)؛ شامل ۴ فصل: اوضاع عمومی ایران در دوره‌ی کابینه‌های متوالی؛ تجدید اندیشه‌های ترقی‌خواهانه (شامل بخش‌های: بهار و «لزوم مرکز ثقل»؛ سید اسداله خرقانی و «دموکراسی اسلامی»؛ سید عبدالله بلادی و راه «سعادت و سیادت مسلمانان»؛ ادیب السلطنه و دفاع از نخبه‌سالاری)؛ فصل سوم: اوضاع عمومی ایران در سال‌های سرنوشت و فصل چهارم: تجدید



وثوق الدوله

باطنی این تمدن توجه کردند و به قلم‌فرسایی در این زمینه پرداختند. این جلوه‌های باطنی عبارت بودند از: لزوم تربیت ملت، اشاعه و ترویج علم، اخذ شیوه‌های حکومتی غرب، تغییر نظام سیاسی مطلقه و غیره. در این میان، عده‌ای به رهبری **ناظم الاسلام کرمانی** تز اصلاحات انقلابی را مطرح کردند و دیگرانی نیز به رهبری **شیخ محمد فیلسوف شیرازی** از اصلاحات تدریجی یاد کردند و علم را مقدم بر قانون دانستند. در نهایت تز اصلاحات انقلابی پیروز شد. این تز که با خواست همگانی همراه شده بود، نظام سلطنتی مطلقه را به نظام مشروطه تبدیل کرد (صص ۱۸-۳۲). نویسنده در ادامه‌ی مباحث خویش، از پیامدهای مثبت ناشی از استقرار مشروطه یاد می‌کند. از جمله صدور بیانیه‌ی حقوق بشر توسط **میرزا علی محمد خان اویسی** و انتشار رساله «**راه نجات**». در این رساله، که به قلم **صنیع الدوله** است، دولت‌مردان به انجام اصلاحات عملی جهت عمران و آبادی کشور ترغیب شده‌اند (صص ۳۲-۳۷). نویسنده در انتهای بخش مقدماتی، به وقایع دوران سیزده ماهه‌ی استبداد صغیر می‌پردازد. وی بیان می‌دارد که با وجود به دست گرفتن قدرت توسط مخالفان مشروطه در این دوران و توقیف روزنامه‌ها، علما و روشنفکران پایه‌پای مجاهدان مشروطه‌خواه در عرصه‌ی اندیشه به دفاع از کیان مشروطه پرداختند. لذا با قیام ملی و مردمی، دوباره نظام مشروطه استقرار یافت (صص ۳۷-۴۱).

نویسنده در بخش اول، به سراغ سه جریان تندرو، میانه‌رو و اسلام‌گرا در محدوده سال‌های (۱۳۲۷-۱۳۳۰ق) می‌رود. جریان تندرو با ایده‌ی «تجدد آبی» به دفاع از «اصلاح انقلابی» برخاست. اهم اهداف این جریان عبارت بودند از: ایجاد دولت متمرکز و قدرتمند، تثبیت جایگاه مجلس در ساختار حاکمیت، تحکیم اصول دموکراسی، تفکیک قوه‌ی روحانی و قوه‌ی سیاسی، لغو نظام ارباب - رعیتی و دفاع از استقلال و آزادی. ارگان حزب تندرو «**ایران نو**» نام داشت. جریان میانه‌رو در مقابل، به طرح اندیشه «تجدد تدریجی» پرداخت. اعضای این جریان که معتقد به مسلک اعتدال و عدم تفکیک دین از سیاست بودند، به «شناخت زمانه» تأکید زیادی داشتند و ارگان ایشان «**روزنامه مجلس**» بود. در کنار این

دو جریان که در درون قدرت بودند، جریان اسلام‌گرا که سهمی از قدرت نداشت، از سازش «سنت و تجدد» و تلفیق «تمدن غربی و تدین شرقی» سخن می‌گفت. ریشه‌ی این جریان به اندیشه‌ی اتحاد اسلام «**سید جمال الدین اسدآبادی**» برمی‌گردد. **سید جمال الدین اسدآبادی** پرچم‌دار بیداری و آگاهی، برخاسته از هویت دینی مسلمین است. بیداری که بعد از هجوم دول استعمارگر به کشورهای اسلامی شکل گرفته بود. مهم‌ترین روزنامه اسلام‌گراها «**جریده الغری**» بود (صص ۵۴-۱۰۷).

در بخش دوم یا دوران فترت سه ساله، که بعد از انحلال مجلس دوم آغاز شد، می‌توان شاهد بقای اندیشه‌های تجدد خواهانه از طریق چند نشریه بود. این قسمت، که یکی از شرح‌های خواندنی نویسنده است، درباره‌ی سه روزنامه «**آفتاب**»، «**الاسلام**» و «**نوبهار**» است. روزنامه «**آفتاب**»، که به قول نویسنده از جمله روزنامه‌های ارزشمند و درعین حال ناشناخته مشروطه دوم است، با هدف ایجاد امید و زدودن یأس از جامعه در دوره‌ی فترت سه ساله منتشر شده است. گردانندگان «**آفتاب**» که به تفکر اعتدالی نزدیک بوده‌اند به دفاع از «ترقی‌خواهی اقتدارگرا و تحول‌خواه» پرداخته‌اند. ایشان با بهره‌گیری از تجارب گذشته، از ضرورت طرح اصلاح نهادهای مالی و عدلیه سخن گفته‌اند. نشریه «**الاسلام**» که در امتداد جریان اسلام‌گراست، از لزوم «احیاء دینی و تمدن اسلامی» سخن گفته است. با وجود نقش مهم و ارزنده‌ی این نشریه، در طی دو سال انتشار، متأسفانه به اندازه‌ی کافی شناخته نشد و جایگاه مناسب و درخور نیافت. صاحب امتیاز این مجله «**شیخ عبدالعلی لاریجانی مازندرانی**» است. نشریه «**الاسلام**» با نگاهی اسلامی و از پایگاه دین به انحطاط جهان اسلام توجه داشته است. لذا، راهکارهایی که ارائه می‌کند معطوف به نجات دنیای اسلام است و بنابراین اگر به ایران نیز توجه کرده از آن روست که این کشور یکی از بخش‌های مهم جهان اسلام است. «**الاسلام**» برخوردار از گزینشی به تمدن غرب دارد و اتحاد اسلام را مهم‌ترین راه نجات مسلمین می‌داند. این نشریه با رویکرد «**آسیب‌شناسی دینی**» تلاش می‌کند تا پیشگام احیاء دینی در عصر و زمانه‌ی خود باشد. این

در یک سال برقراری مجلس سوم، نشریاتی در پایتخت منتشر شدند که همگی در یک موضوع اتفاق نظر داشتند و آن به وجود آمدن یک دولت مقتدر مرکزی برای برون‌رفت از بحران بود

اندیشه‌ی تجدد

سوم، نشریاتی در پایتخت منتشر شدند که همگی در یک موضوع اتفاق نظر داشتند و آن به وجود آمدن یک دولت مقتدر مرکزی برای برون‌رفت از بحران بود. (۱۷۵-۱۹۵)

یکی از فرازهای کتاب اندیشه تجدد و ترقی در عصر بحران، بخش چهارم است. نویسنده این قسمت را که از انحلال مجلس سوم آغاز و به کودتای ۱۲۹۹ ش ختم می‌شود به دو دوره تقسیم می‌کند: یکی کابینه‌های متوالی و دو دیگر سال‌های سرنوشت. این دو دوره، مهم‌ترین مرحله‌های تداوم و تحول اندیشه تجدد و ترقی است. نویسنده ابتدا اوضاع عمومی ایران را در دو دوره‌ی کابینه‌های متوالی و سال‌های سرنوشت مورد بررسی قرار داده و سپس اندیشه‌های ترقی را شرح داده است. در این میان، نویسنده بیان می‌دارد که در قسمت اوضاع عمومی، صرفاً به تشریح حوادث و رویدادهای سیاسی و نظامی نمی‌پردازد، بلکه وضعیت عمومی کشور را به منظور نشان دادن تأثیر وقایع و رویدادها در تحول فکر ترقی‌خواهی ترسیم می‌کند. لذا از دید نصراله صالحی حوادث سیاسی و اندیشه تجددخواهی در یکدیگر تأثیر متقابل دارند. در دوره‌ی کابینه‌های متوالی، ابتدا نویسنده به توصیف تجاوزگری‌های دول خارجی در ایران در طی جنگ جهانی اول می‌پردازد و سپس وضعیت هر یک از هفت کابینه متوالی و علل انحلال آن‌ها را شرح می‌دهد. وی بیان می‌دارد که ناکارآمدی نظام برآمده از مشروطه، امید متجددان را به یأس تبدیل کرده است، زیرا این نظام در درمان بحران‌هایی که کشور دچار آن‌ها شده، ناتوان است. این بحران‌ها از دید نصراله صالحی عبارتند از: بحران نفوذ، بحران انحطاط، بحران مشروعیت، بحران اقتدار، بحران همبستگی و بحران استقلال. در انتهای این مقوله، قیام خیابانی از جمله موضوعاتی است که به شکل گذرا نویسنده به آن پرداخته است. (صص ۲۰۰-۲۱۳)

گرایش‌های مختلف فکری در دوره‌ی کابینه‌های متوالی، به ارائه‌ی راهکارهای گوناگون برای برون‌رفت از وضعیت بحرانی که کشور دچار آن شده بود پرداختند. از جمله این گرایش‌ها، نظریه ملک الشعراء بهار است. بهار در سر مقاله «لزوم مرکز ثقل» از نیاز به یک منجی سخن به میان آورد و ناپلئون بناپارت را در این زمینه مثال می‌زند. از لحاظ بهار، بناپارت منجی انقلاب فرانسه بود. گرایش بعدی از آن «سید اسداله خرقانی» (۱۲۵۴ق) است. وی از جبهه‌ی اسلام‌گراها، نظریه‌ی «دموکراسی اسلامی» را ارائه داد. خرقانی برای اثبات ایده‌اش تلاش فراوانی مبذول داشت. شرحی که صالحی از نظریه‌ی او آورده بسیارخواندنی است. خرقانی دو رساله با عناوین زیر به نگارش در آورد: روح تمدن و هویت اسلام؛ رد بر کشف حجاب

گرایش فکری سوم از آن «سیدعبداله بوشهری» (۱۲۹۱ق) است. وی از جمله شاگردان «آخوندخراسانی» بوده و در نتیجه‌ی پیروی از او به شمار هوداران جدی مشروطه پیوسته است. او رسالات



شهید مدرس

روزنامه برای تجدید حیات دین و زندگی دینی راهکارهایی را ارائه می‌دهد: عصری کردن دین، اجتناب از سوء تفسیر اسلام و قرآن، تأکید بر دینداری خردورزانه و نه تبدی، اصلاح فکر دینی و توجه به فلسفه‌ی اجتماعی احکام و قواعد اسلام. روزنامه‌ی سومی که نویسنده به شرح آن پرداخته است، «نوبهار» نام دارد. «نوبهار» به طرح اندیشه‌ی «تجدد بر مبنای تحول اجتماعی و اصلاح فکر دینی» می‌پردازد و تفکری تندرو را نمایندگی می‌کند. «ملک الشعراء بهار»، که سخنگوی اصلی «نوبهار» است، در این روزنامه، مقالاتی درباره‌ی نقش دین در ترقی و انحطاط ایران نوشته است. وی بیان داشته که تنها راه بازداشتن جامعه از فناء، توسل به اصلاح دینی است. بهار با نوشتن یک مقاله اساسی با عنوان «سیاست ایران قهرمان می‌خواهد»، از ضرورت استقرار حکومت مقتدر برای پیشبرد هدف‌های ترقی خواهانه یاد می‌کند. (صص ۱۲۵-۱۷۱)

عنوان بخش سوم کتاب، «از گشایش مجلس سوم تا انحلال آن (۱۳۳۳-۱۳۳۴ق)» است. در این برهه از زمان، ایران یکی از قربانیان جنگ جهانی اول بود. عمر مجلس سوم به قدری کوتاه بود که به تشکیل جریان‌های تجددخواه منجر نشد. در این دوره بود که کمیته‌ی دفاع ملی شکل گرفت و زمینه را برای تشکیل دولت موقت در مهاجرت فراهم ساخت. در یک سال برقراری مجلس



ملک الشعراء بهار

از ناکارآمدی و اشتباهات اولیای امر است. بنابراین برای خروج از بحران باید ابتدا دستگاه حکومتی را اصلاح کرد و سپس به اصلاحات دیگر دست یازید. در این جا او به دفاع از نخبه سالاری پرداخته است و در نهایت از نیاز به یک پیشوای باکفایت سخن به میان می آورد. (حصص ۲۱۶-۲۴۲)

نصرت صالحی در فصل سوم دوباره به سراغ اوضاع عمومی کشور رفته و قیام‌های «سردارچنگل» و «خیابانی» را توصیف کرده است. در این میان، وصف کابینه‌های سال‌های سرنوشت از جمله موضوعاتی است که او به شکل اجمال به آن‌ها پرداخته است. کلیدی‌ترین کابینه‌ای که وی از آن یاد کرده، کابینه «وثوق الدوله» است، که در پایان دوره‌ی کابینه‌های متوالی با حمایت ملیون و به طور اخص «سید حسن مدرس» به روی کار آمد. نویسنده معتقد است که قرارداد ۱۹۱۹ برای رهایی از بحران‌های موجود بسته شد. به عبارت دیگر، وثوق الدوله می خواست از کمک انگلستان برای انجام اصلاحات در کشور استفاده کند. در این راستا، خیلی از ملیون نیز با این قرارداد موافق بودند؛ ولی خواهان تغییر بعضی از مفاد آن بودند (۲۴۵-۲۴۹). لازم به ذکر است که در بند اول قرارداد ۱۹۱۹ آمده بود که انگلستان تمامیت ارضی ایران را به رسمیت می شناسد و مدرس، به عنوان یکی از همین ملیون، اولین کسی بود که به عمق خطرناک بودن این بند از قرداد پی برد. وثوق الدوله در دوره‌ی خود «کمیته مجازات» را که به ترور افراد مورد نظر خویش می پرداختند، منحل

مختلفی را با موضوع مبارزه با استعمار روس و انگلیس به نگارش درآورده است. از این رو، می توان بیان داشت که سیدعبداله بوشهری از جمله علمایی است که در دوحوزه علمی و سیاسی به فعالیت‌های دامنه داری پرداخته است. او اکسیر «سعادت و سیادت مسلمانان» را در عمل به «قرآن» و «شرع شریف» می داند و راهکارهایی برای رهایی از عقب ماندگی ارائه کرده است از جمله:

ترک مرعوبیت از اجانب و تدارک زندگی توأم با عزت؛ تأسیس مدارس در تمام ممالک، ایالات و ولایات؛ قطع احتیاجات از اجانب؛ افزودن بر صادرات و کاستن از واردات؛ اتحاد جهان اسلام و ترک اختلافات؛ تجهیز کشورهای اسلامی به کشتی‌ها و تسلط بر دریاهای ایجاد و گسترش راه‌های ارتباطی در بین کشورهای اسلامی؛ توسعه تجارت و تسویق ارباب صنایع؛ استخراج معادن و توجه به کشاورزی؛ تشکیل کنفرانس اسلامی

آخرین گرایش از آن «حسین سمیعی» معروف به ادیب السلطنه (۱۲۹۱ق) است، که در دستگاه قدرت دارای سمت‌های مختلفی بوده است، از جمله افرادی است که در دوره کابینه‌های متوالی نسبت به «عقب ماندگی ایران» تأمل کرده است. او در این زمینه سؤالاتی مطرح می کند:

۱- امراض ایران ناشی از چیست؟ ۲- آیا راهی برای خروج از بحران است؟

ادیب السلطنه در ادامه بیان می دارد که امراض ایران ناشی

اندیشه‌ی تجدد

تجددخواهان در نهایت به این نتیجه رسیدند که اصلاحات صورت نمی‌گیرد، مگر در ابتدا اوضاع بحرانی کشور از بین برود و اوضاع بحرانی نیز برچیده نمی‌شود، مگر یک حکومت مقتدر مرکزی با یک پیشوای شجاع ظهور کند

است. ولی به جای سال ۱۳۱۵ش سال ۱۲۱۵ش، صحیح است. - در صفحه ۲۳۸ سال ۱۳۱۳ش نادرست و صحیح آن ۱۲۵۲ش است.

ب) چارچوب نظری: نویسنده در مقدمه و سپس در نتیجه بیان می‌دارد که در پی اثبات این نظریه است که، در عصری که بحران‌های مختلف دامنگیر کشور شده است نیل به تجدد و ترقی امکان ندارد. در عین حال، هرگاه وضعیت کشور بحرانی شده است، روشنفکران به تأمل در آن پرداخته و راهکارهای مختلفی را برای برون رفت از آن ارائه داده‌اند. بدین ترتیب، صالحی بیان می‌دارد که تنها راه نیل به ترقی و تجدد ورهایی از بحران در دوره‌ی مشروطه دوم، شکل‌گیری یک حکومت مقتدر است. وی برای اثبات سخنش، آراء ملک الشعراء بهار را محور کلیدی مباحث خود قرار می‌دهد. لذا، به‌زعم نگارنده، می‌توان چارچوب نظری نویسنده را نظریه‌ی بحران «توماس اسپرینگز» دانست. برای فهم این نظریه، می‌توان به کتاب «فهم نظریه‌های سیاسی»، اثر توماس اسپرینگز مراجعه کرد. این کتاب توسط دکتر فرهنگ رجایی ترجمه شده و انتشارات آگه نیز آن را چاپ کرده است.

ج) روش تألیف: با توجه به بیان خود نویسنده در مقدمه، روش وی توصیفی - تحلیلی است. این کتاب مطالبی خواندنی و مفید دربردارد و پژوهشی ارزنده از مشروطه‌ی دوم محسوب می‌شود.

پی‌نوشت

- ۱ - آذرنگ، عبدالحسین، «مدرنیته، پست‌مدرنیته و تمدن غرب»، از این سو و آن سو (دستیچینی از نوشتارها و گفتارها)، تهران، کتابدار، ۱۳۸۳، صص ۲۵-۲۹.
- ۲ - بهنام، جمشید، ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران، فرزانه روز، ۱۳۷۵، صص ۱۵-۱۷.
- ۳ - رحمانیان، داریوش، چالش جمهوری و سلطنت در ایران، تهران، ۱۳۷۹، ص ۶.
- ۴ - همان، صص ۲۵-۲۶.

کرد و «ماشاءاله خان کاشی» و گروهش راه که سال‌ها به چپاول و غارت مشغول بودند، به دار مجازات آویخت. مدتی بعد از استعفا و وثوق الدوله، «مشیرالدوله» به روی کار آمد که در دوره‌ی او، قیام خیابانی توسط «مخبرالسلطنه هدایت» و سپاه قزاقش سرکوب شد. آخرین رئیس دولت در سال‌های سرنوشت «سپهداراعظم رشتی» بود که کابینه‌اش پنج ماه دوام آورد (صص ۲۴۳-۲۵۷).

نصرت‌الله صالحی در فصل پایانی کتاب خویش به سراغ روشنفکران سال‌های سرنوشت می‌رود. او ابتدا از ملک الشعراء بهار سخن می‌گوید، کسی که در این برهه از زمان تنها راه ایجاد اصلاحات را در ظهور یک منجی جست‌وجو می‌کند و تنها تمدن قابل اخذ را تمدن انگلیسی می‌داند. در این میان، «تقی زاده» از اصلاحات تدریجی سخن به میان می‌آورد. او در روزنامه «کاوه» بیان می‌دارد: «برای رهایی از عقب‌ماندگی باید ایران ظاهراً باطناً، جسماً و روحاً فرنگی‌مآب شود». بعدها تقی زاده عنوان کرد که منظورش از فرنگی‌مآبی، فرنگی عمل کردن است نه فرنگی شدن. بعد از توصیف و بررسی آراء تقی زاده، نویسنده به شرح جنبش و اندیشه‌های تجددخواهان خیابانی پرداخته است. در قسمت نتیجه، نویسنده بیان می‌دارد که تجددخواهان در نهایت به این نتیجه رسیدند که اصلاحات صورت نمی‌گیرد، مگر در ابتدا اوضاع بحرانی کشور از بین برود و اوضاع بحرانی نیز برچیده نمی‌شود، مگر یک حکومت مقتدر مرکزی با یک پیشوای شجاع ظهور کند. (صص ۲۶۰-۲۹۳)

برخی اشتباهات

الف) درج نادرست سال‌های شمسی و قمری: نویسنده در صفحات ۲۱۹، ۲۳۴ و ۲۳۸ در تبدیل سال قمری به شمسی دچار اشتباه شده است و سال‌های شمسی را نادرست ذکر کرده است. سال قمری همواره بیش از سال شمسی است، در حالی که نویسنده سال شمسی را بیش از سال قمری در نظر گرفته است و سال قمری ذکرشده حدود ۳۹ سال بیش از سال شمسی است. - در صفحه ۲۳۴، مقابل سال ۱۲۹۵ق، سال ۱۳۱۵ش آمده